



# حاشیه بر متن

نظر می‌رسد. ترکیب‌هایی از شلوار چین و تی شرت و شال و کفش کتانی. پوشش مردان به جز یک نفر به هم شبیه است. پوشش افراد با وضعیت سنی آنان تناسب دارد و نشان می‌دهد این افراد به نوعی عضو طبقه متوسط جامعه هستند. افراد به جز دختری که کیفش همراهش است؛ وسیله خاصی با خود ندارند و نشانی از هواداری مانند پرچم و علائم باشگاه محبوب همراهشان نیست. گویی مطمئن نبوده‌اند که می‌توانند در این فضا حاضر شوند و به هواداری بپردازند. ابهام دیگر عکس آن است که مشخص نیست این افراد هوادار کدام تیم هستند. آیا یک هوادار دوآتشفه هستند یا اینکه به قصد سرگرم شدن صرف اینجا هستند. نکته درخور اشاره دیگر آن است که دو نفر از دختران حاضر در عکس موبایل در دست دارند. آنها حواسشان به مسابقه نیست. یک نفر به فرد همجوار می‌نگرد و دیگری اصلاً فارغ از جمع و مسابقه در تلفن همراهش به جست‌وجو می‌پردازد و سرش پایین است و راحت و آسوده نشسته است. در عکس نشانی از فوتبال نیست اما همه به بهانه فوتبال جمع شده‌اند. ورزشگاه مدرن نیست. امکاناتی وجود ندارد. بلیت‌فروشی ممنوع است. زمین چمن ورزشگاه مرغوبیت لازم را ندارد اما همه اینها مانع از میل دیوانه‌وار به فوتبال نشده است. در عصر کرونا، سکوها مهم‌تر از زمین و حاشیه‌ها مهم‌تر از متن شده‌اند. نگاه‌های افراد هم به‌سوی زمین نیست. این امر حاکی از آن است که فوتبال و تماشای آن نیز به‌مثابه یک فراغت است و فی‌نفسه هدف نیست بلکه فرصتی برای تفریح و دمی زیستن در فضای مرگبار و هولناک کرونایی است که حال مهیبت‌تر از یک سایه‌سایه، هیئت شوم خود را به ما نمایان ساخته است. فوتبال، رنج زندگی را می‌کاهد.

یک شبکه دوستی و افراد هم‌سن‌وسال را تشکیل می‌دهند که با یکدیگر تصمیم به تماشای مسابقه در این وضعیت نامساعد گرفته‌اند. اما شوق و ذوق فوتبال و تماشای با فراغ بال فوتبال این حضار عکس را به این فضای خاص کشانده است. دیوارها خیس و مخروبه به نظر می‌رسند یا در حال تخریب‌اند. ترک‌ها و فرسودگی دیوار مشخص است و سقف‌ها و آهن‌آلات گویی زنگ‌زده‌اند. با این حال فرصتی برای هواداران فوتبال ساخته‌اند. گویی به‌رغم فرسودگی‌شان هنوز هواداران را برای تماشای مسابقه نمیدانند و شرایط را تحمل می‌کنند. در عکس مردان ایستاده‌اند و زن‌ها نشسته‌اند (به جز یک زن که بالای سر سه دختر دیگر قرار داشته و گویا می‌خواهد بین آنها بنشیند). موقعیت ایستاده مردان به آنها جایگاهی مسلط بخشیده و گویی آنها همه چیز را تحت نظر و کنترل دارند. موقعیت مردان و زبان بدن آنها نشان از اطمینان و نوعی سلطه و نظارت دارد. گویی آنها بیش از آنکه چشم به مسابقه داشته باشند وضعیت چند زن حاضر در قلاب را پیگیر هستند. مردی که دست‌به‌کمر دارد و مردی که دست‌به‌سینه ایستاده است؛ عکس را به لحاظ بصری دیدنی کرده‌اند. شیوه استقرار جمع مردانه به صورت تصادفی و البته غریبی شبیه یک نیم هلال شده است که زنان را در خود جای داده است. گویی زنان در یک حریم قرار گرفته‌اند. نگاه سه مرد به زنان است. نگاه دو مرد به مسابقه و زمین‌بازی است. هرچند چهارچشمی حواسشان به جریان بازی نیست و نیم‌نگاهی هم به افراد همجوار و دختران ورزش دوست دارند. پوشش افراد حاضر در عکس پوشش اسپرت و راحتی است. دختران با پوشش مانتو و شلوار و شال و صورت آرایش کرده و سروصورت مردان بدون آرایش به

پس‌زمینه فضایی سرسبز نمایان است. حضار عکس، همان تماشاگران مسابقه فوتبال لیگ برتر هستند. آنها نه نفرند. در عکس به صورت تصادفی دو میله آهنی در پیش‌زمینه و پس‌زمینه قابل مشاهده است اما هیچ کدام تفکیک در عکس ایجاد نکرده است. چهار زن و پنج مرد. گویی وقتی نسبتاً برابر و نرمال است. توزیع افراد به لحاظ جنسیتی مقررات سازمانی کمرنگ می‌شود جامعه به صورت خودکار تعادل را حفظ می‌کند. در اینجا بدون هرگونه برنامه از پیش تعیین‌شده‌ای، نسبت برابری از زن و مرد به تماشای مسابقه فوتبال آمده‌اند. شرایط مساعد نیست. نشان تیم میزبان ببر است اما محل استقرار و جایگاهی که همین چند تماشاگر معدود در آن قرار دارند مطمئن و مستحکم به نظر نمی‌رسد. به لحاظ طیف سنی عکس طیف نوجوان تا میانسال را در خود دارد. زنان عمدتاً نوجوان و جوان به نظر می‌رسند درحالی که مردان طیف جوان تا میانسال هستند. عکس گویای آن است که فوتبال برخلاف تصور کلیشه‌ای سابق ورزشی مردانه نیست و تماشاگری آن نیز مرد محور نیست و جنسیت ندارد. استفاده از ماسک در عکس به یادگار خواهد ماند و در عصر پساکرونا به شیوه خاصی به آن نگریسته خواهد شد. ماسک دلالت بر نوعی خطر و تهدید دارد اما فقط یک نفر ماسک به صورت ندارد. همان فردی که از همه بزرگسال‌تر به نظر می‌رسد و با فاصله از بقیه ایستاده است؛ گویی نسبتی با آنان ندارد و صرفاً تماشای مسابقه باعث این مجاورت و همراهی شده است. در عکس زنان و مردان همگی تدابیر بهداشتی و فاصله اجتماعی را کمابیش رعایت کرده و تقریباً با فاصله از هم نشسته یا ایستاده‌اند. نگاه دو دختر درون عکس نشان می‌دهد احتمالاً بین آنها آشنایی وجود دارد و



آرش حسن‌پور  
پژوهشگر مطالعات تصویری

عکس خارجی است. یک فضای باز بیرونی و یک قاب مدیوم شات و تقریباً بسته. روز است. نورها شدید نیستند و فضای عکس نیمه‌ابری به نظر می‌رسد. زمان بعدازظهر به نظر می‌رسد. هفته بیست و هفتم مسابقات لیگ برتر فوتبال کشور. مسابقه دو تیم پرسپولیس تهران و نساجی مازندران در نهایت با تساوی یک- یک خاتمه یافت. اینجا حوالی ورزشگاه شهید وطنی قائمشهر، ورزشگاه خانگی تیم نساجی مازندران است. عکس به ظاهر در حاشیه یک مسابقه ورزشی گرفته شده است اما خبری از خود مسابقه فوتبال و جدال تیم‌ها و مستطیل سبز و گردش هیجان‌انگیز توپ نیست. کرونا هواداری فوتبال را هم تغییر داده است. حال مخاطبان و حامیان تیم‌های ورزشی و فوتبالی باید در پی راه‌های گریز و چاره‌بدیعی باشند. سکوها بی‌رونق است و در ورزشگاه‌ها به روی تماشاگران در جای‌جای جهان بسته شده است. تماشاگران هم بیکار ننشسته‌اند. آنها دست‌بردار نیستند. همواره راهی پیدا می‌کنند تا سرسپردگی‌شان را به تیم محبوب ابراز کنند و وفاداری‌شان را اثبات. اینجا احتمالاً سقف خانه یا کارگاهی در مجاورت ورزشگاه شهید وطنی است. سقف‌ها شیروانی است و این شیوه خانه‌سازی برای بیننده عکس به جهت معماری شمال کشور آشنا و متعارف به نظر می‌رسد. عکس نمناکی خاصی دارد. در